



بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران عزیز؛ خیلی خوش آمدید. خوشحالیم که بحمدالله یک سال دیگر بر مجلس پرافتخار اسلامی ما گذشت، در حالی که حامل سرافرازی و افتخار بیشتر است. بنده عرایضی را خدمت نمایندگان محترم، از اول این دوره تا حال عرض کرده بودم و هر چه مسائل مجلس را تتبع و پیگیری کردم و اطلاع به دست آوردم، خدا را سپاسگزارم که شاهد بودیم آن توصیه های برادرانه دلسوزانه، در مجلس با دقت تعقیب می شود. اولین نتیجه این است که امروز مردم بحمدالله از مجلس شورای اسلامی احساس آرامش می کنند. چقدر خوب است که وقتی رادیو را باز می کنند یا روزنامه ها را می خوانند و از مذاکرات مطلع می شوند، در آنها چیزی نیابند که مایه افسردگی دل‌های بااخلاص باشد. و این از برکات مجلس چهارم است. امیدواریم که ان شاءالله روزبه روز وضع مجلس در همین جهت، بهتر و کاملتر شود.

آن طور که بنده به عنوان یک ناظر در مسائل کشور احساس می کنم، اگر مجلس شورای اسلامی چهار خصوصیت داشته باشد، در جایگاه حقیقی خود قرار خواهد داشت. بحمدالله امروز تا آن جا که ما مشاهده می کنیم، مجلس این خصوصیات را دارد. لکن می شود هر چه بیشتر به این خصوصیات افزود و مراقب بود. این چهار خصوصیت، عبارت است از اولاً، احساس مسؤولیت. ثانیاً، استقلال. ثالثاً، شجاعت. رابعاً، فرزاندگی و به کار گرفتن فکر و علم و تخصص. در این کشور، دهها سال نام مشروطیت وجود داشت؛ اما در دورانهایی سلطنت خاندان منحوس زینبار خفت آور پهلوی بر ایران، مجلس در حقیقت کان لم یکن بود؛ جز در همان برهه کوتاهی که مرحوم آیت الله کاشانی و نهضت ملی حرکتی کردند و مجلس جانی گرفت. و الا بقیه آن پنجاه سال، هر چه بود، اسم بود بی مسمّا؛ ظاهر بود بی لبّ و بی معنا.

این، از آن دوران پنجاه ساله. قریب به بیست سال قبل از دوران پنجاه ساله هم، در این کشور، مشروطیت بود که مجموعاً، با تعطیلهای و انسدادها و به توپ بستنها و غیره، تقریباً در حدود چهار دوره، مجلس شورای ملی درست شده در اول مشروطیت، کار کرد. تاریخ آن مجالس، بسیار عبرت آور است و واقعاً یکایک ملت ایران، برای این که بدانند جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به این کشور و این ملت چه داده است، باید آن گذشته را بخوانند. تا ندانیم چگونه بوده ایم، نخواهیم دانست که امروز چه در اختیار داریم. در آن چند سال اولیه، تا وقتی که هنوز مجلس، آن مجلس تحت نفوذ سلطان و سردار و دوله و سلطنه و سفارتخانه خارجی نبود، مجلسی بود که با وجود ابتدایی بودن، تأثیر خود را در اوضاع کشور می گذاشت. هر جا که اندکی نشانه سلطه خارجی بود، آن مجلس، با قدرت تمام می ایستاد. اولتیماتوم روس بود، مجلس ایستاد. استقراض از خارجیها بود، مجلس ایستاد. قرار داد وثوق الدوله بود، مجلس ایستاد. امثال مدرّس ها در آن مجلس، کم و بیش بودند. آنهایی هم که گذشت زمان نشان داد نمی توانند همیشه مدرّس باقی بمانند و مثل مدرّس باشند، در سایه حضور مردان مستقلّ با ایمانی از قبیل مدرّس، خیابانی و امثال آنها، یک حالت واقعی مردمی به آن مجلس دادند.

این، از آن دو دوره اولیه که وضعیتش این گونه بود. بعد از آن که نفوذ سیاستهای خارجی در همان مجلس، با همان اشخاص پیدا شد، کار به آن جا رسید که نخست وزیر بعد از کودتا - حسن مشیرالدوله پیرنیا - وقتی کابینه خودش را در مجلس شورای ملی ارائه کرد و مجلس یکی دو نفر از وزرایش را رد نمود، به مجلس گفت: «همسایه جنوبی ما [یعنی انگلیس!] مایلند این دو نفر در کابینه باشند» و مجلس رأی داد! به صرف تمایل همسایه جنوبی دروغی، دو وزیر ابتدا رد شده، رأی مجلس را به دست آوردند. و اما، از آن جا که انگلیس، غاصب هند و بحرین بود و در خلیج فارس حضور داشت، آن را «همسایه جنوبی» می نامیدند و حتی تا زمان پهلویها هم، انگلیس همسایه جنوبی نامیده می شد! آن کشور که در اروپا واقع بود و هزاران کیلومتر با ایران فاصله داشت، اسمش «همسایه» بود! چون این همسایه ناخوانده دروغین، تمایل داشت که دو نفر مورد نظرش در کابینه مذکور باشند، نه مشیرالدوله خجالت می



کشید به مجلس بگویند که «همسایه جنوبی، مایل است این دو نفر باشند» و نه مجلس خجالت کشید از این که به خاطر میل همسایه جنوبی، حضور دو وزیر را که نمی خواست، قبول کند. همان مجلسی که قبلاً در مقابل اولتیماتوم روس و قرار داد وثوق الدوله و بقیه قضایا ایستادگی کرده بود، کارش به این جا رسید!

بنده، مواردی را که مجلس اول و دوم ایستادگی کرد، یادداشت کرده ام که احتمالاً به ده یا نزدیک به ده مورد می رسد. آن مجلس، مجلسی بود که محکم ایستاده بود؛ ملت را به نشاط آورده بود و دولتها را نیز تقویت کرده بود. اگر چه دولتهای آن روز، ذاتاً دولتهای ناتوان و مریضی بودند و بسیاری از آنها ساختمان ذهنی شان، اساساً ساختمان باج دادن به گردن کلفتهای غربی بود؛ اما بالاخره، این مجلس، همانها را تا آن جا که ممکن بود، حفظ می کرد. این مجلسی که به خاطر همان دوره های اولیه، در تاریخ سرفراز ماند، بتدریج کارش به آن جا رسید که بعضی از نمایندگان، جرأت مخالفت نداشتند! بعضی در جلسات به خیال خودشان مسأله دار، حضور پیدا نکردند. مگر وقتی شما حضور پیدا نکردید، مسؤولیتتان از بین می رود؟! شما نماینده اید و باید احساس مسؤولیت داشته باشید.

بعضی از آنها افتخار می کردند که در آن جلسه ای که سلطنت ایران به خاندان فاسد و ننگین پهلوی داده شد، حضور نداشتند! در حالی که بایستی می بودند و مخالفت می کردند. بعضی وابسته و فاقد استقلال بودند. شجاعت هم داشتند؛ اما آن شجاعت را در جهت باطل و خلاف حق به کار می گرفتند. جیبها و شکمهایشان از مال حرام، پر بود. طمع رشوه، طمع رسیدن به مقامات، طمع کمک فلان کسی که ممکن است قدرت را در دست بگیرد یا امروز بر سر قدرت است، چنان آنها را گیج می کرد که نمی فهمیدند مسؤولیت چیست. احساس مسؤولیت نبود، استقلال نبود، شجاعت نبود، آگاهی و معرفت و فرزاندگی نبود و کار به آن جا رسید. و الا اگر مشروطیت در آغاز کار، منطبق با خواسته رهبران واقعی و مخلص و مؤمن آن نهضت - که بلاشک برترین آنها علمای بزرگ بودند - و هر کس منکر این حقیقت شود، منکر ضروریات و واضحات شده است. چنان که عده ای منکر می شوند و امروز برای گذشته ما تاریخ می نویسند و حقایق را انکار می کنند - به پیش می رفت، کشور ما پنجاه سال در حساسترین مقاطع تاریخ جهان، از قافله عقب نمی ماند. ما پنجاه سال ضرر کردیم. ما ملت ایران، به خاطر تسلط آن قلدربی سواد و خاندان و فرزندان و کسان و همراهانش؛ یعنی تسلط قدرتهای مسلط بر این کشور - که در نیم قرن آخر قبل از پیروزی انقلاب، انگلیسیها و بعد هم امریکاییها بودند - و نیز به خاطر کوتاهی مجلس، ضرر کردیم و دچار خسران شدیم.

مجلس می توانست از اول جلو این ضرر را بگیرد. شما به تاریخ دوران مشروطیت که نگاه کنید، می بینید هر جا مجلس از خود قدرتی نشان داد، در مقابل آن قدرت، همه مجبور شدند راه و روش خود را اصلاح کنند. لذا، دشمن در مجلس آن وقت نفوذ کرد: «تلك امة قد خلت لها ما كسبت و لکم ما كسبتم». اینها عبرت است.

امروز مجلس ما بحمدالله یک مجلس نمونه در دنیا است. انسان در بین نمایندگان مجلس شورای اسلامی که نگاه می کند، چهره های پاک، منزه، مردمی، اهل تقوا، اهل علم، اهل معرفت، اهل تخصص، اهل مجاهدت، با زبان رسا و با شجاعت می بیند. امروز مجلس ما بحمدالله هیچ نگرانی و دغدغه ای را در کسی که منصف باشد ایجاد نمی کند. اما باید مراقب باشید؛ زیرا این امانتی در دست شماست. استمرار ماجراها، باید صحیح باشد: «و ان لو استقاموا علی الطريقة لاسقینا هم ماء قدغاً». استقامت بر طریق است. راه را باید درست و مستمر رفت. و الا اگر چهار صباح خوب و درست رفتیم، ولی بعد رها کردیم، فایده ای ندارد. امروز مسؤولیت مجلس این است که بنایی بگذارد، کاری کند و منشی نشان دهد که اگر در آینده، نماینده یا نمایندگانی خواستند به خلاف این منش رفتار کنند، مثل مزاج سالمی که جسم بیگانه را به نحوی از انحا از خودش دفع می کند، مجلس هم آن عضو نامناسب و نامتناسب را دفع کند.

این بنا را شما باید امروز بگذارید. دشمنان بیدارند، ما هم باید بیدار باشیم؛ همچنان که بحمدالله تا امروز بیدار بوده ایم. امروز ملت ما بیدار است، دولت ما بیدار است، مجلس ما بیدار است، مسؤولین قضایی کشور، بیدارند. امروز همه بحمدالله هشیارند؛ اما هشیاری امروز، کافی نیست. باید کاری کنید که این هشیاری و این خدمت الهی، استمرار پیدا کند. در «دعای کمیل» عباراتی که می خوانیم برای ما درس است: «قو علی خدمتک جوارحی، و اشد علی العزیمه جوانحی، و هب لی الجد فی خشیتک و الدوام فی الاتصال بخدمتک». این دوام، لازم است و اتصال به خدمت پروردگار، باید مستدام باشد. این درس است به ما. بحمدالله، مجلس منش خوبی داشته است. آنچه که در



این برهه لازم می‌دانم این است که اندک کاری که دشمن را امیدوار کند، نباید از مراکز مسؤولیت سر بزند. آدمهایی غیر مسؤول را کار نداریم. دولت و مجلس، باید شانه به شانه هم حرکت کنند. مجلس باید کمک دولت باشد، و این مخصوص امروز هم نیست. در همه ادوار این گونه است که اگر نمایندگان مردم، دولت را کمک نکنند، دولت را نمی‌توانند کار کنند. مجلس، مرکز قانونگذاری است. عقل، دست مجلس است. ترمز، زیر پای مجلس است. اگر دولتی در حال حرکت باشد و ترمز کردید، طبعاً نمی‌تواند حرکت کند. اگر در هدایت دولت، بی‌توجهی شد، نتیجه خوبی عاید نخواهد شد. باید هدایت انجام گیرد و همان استقلالی که قبلاً گفته شد، وجود داشته باشد. البته دشمن، هر چیز کوچکی را ممکن است ده برابر و گاهی صد برابر کند. اما بحمدالله مجلس پشتیبان دولت است؛ دولت هم در جهت قانونگذاری مجلس در حرکت است.

اداره کشور، کار دشواری است. من دیده بودم کسانی خدمت امام رضوان الله تعالی علیه می‌آمدند و از بعضی اوضاع شکایت می‌کردند. یکی می‌گفت مالیات این طور شد، یکی می‌گفت در فلان جا، شهرداری آن گونه عمل کرد، استانداری فلان کرد و از این قبیل مطالب. من غالباً می‌دیدم امام تأملی می‌کردند و بعد به آن طرف می‌گفتند: «آقا! اداره کشور سخت است.»

مقصود این است که در مقام تصور و توصیف و گفتن، خیلی کارها می‌شود کرد؛ اما وقتی وارد شدید، مشکلات خودش را نشان می‌دهد. باید منصف باشیم. باید ببینیم کاری را که کننده مشغول آن است، اگر ما در پیش روی خودمان داشتیم، بهتر، روانتر و بی‌اشکالتر انجام می‌دادیم یا نه؟ این باید همیشه مورد توجه باشد. البته به هیچ وجه نباید از اشتباهات و خطاهایی که غالباً در مراتب دوم و سوم دولت انجام می‌گیرد، دفاع شود. اگر کسی خطایی کرده است، باید به او گوشزد شود و هیچ کس نباید دفاع کند.

بحمدالله رئیس جمهور ما یک عالم آگاه مسلط به زمان، مسلط به اداره کشور، دارای تواناییهای بعضاً استثنایی - در بین کسانی که ما می‌شناسیم - و مراقب امور است. تذکرات نمایندگان هم کمک خواهد کرد. ابزارهایی که قانون به دست شما داده است، از قبیل تذکر، سؤال و امثال اینها، در اختیار شماست. اینها مهمترین ابزار قانونگذاری است که به دولت می‌گوید «از این راه برو، از آن راه نرو» و دولت هم مکلف به اطاعت است. با این ابزار می‌توانید جلو اشتباهات و خطاها را کاملاً بگیرید.

امروز که نوبت، نوبت یکی از دشوارترین کارها، یعنی سازندگی است، وضعیت بسیار حساس است. ویران کردن، خیلی آسانتر از ساختن است. فرق است بین کسی که می‌خواهد بنای کجی را خراب کند، با کسی که می‌خواهد بنای سالم و استواری را بنیان نهد. ویران کردن، کار دو روز است؛ اما بنا نهادن و ساختن، ممکن است در دو سال هم دست ندهد. بنابراین، وقت مشکل و کار مشکلی است. دشمنیهای دشمنان خارجی هم جدی است. گوشه‌ای از آن دشمنیها را در تبلیغات دشمنان مشاهده می‌کنید.

البته شما نمایندگان محترم، ممکن است به اخبار محرمانه هم دسترسی داشته باشید. در این صورت، می‌بینید که دشمن چقدر تلاش می‌کند تا نگذارد جمهوری اسلامی، هدفهای تعیین شده خودش را تأمین کند. در چنین شرایطی، بحمدالله این مجلس زنده مؤمن متعهد آگاه آشنا به وظیفه و شجاع؛ آن دولت توانایی مقتدر مسلط بر اوضاع کشور و آن رئیس جمهور آزموده در همه میدانها، حضور خودشان را در زمینه‌های فراوان کار نشان داده اند. ما باید ان شاءالله با سرعت و قدرت پیش برویم.

هیچ چیز نباید مانع از یک حرکت صحیح شود. مردم کشور هم، انصافاً مردم بسیار خوبی هستند. حقیقتاً آگاهی و حلم و صبر و حکمت و عمق در مردم ما، خصوصیت فوق العاده است. مردم همه دشمنیها را می‌بینند، همه مسؤولیتها را می‌فهمند، همه خدماتی را که افراد خدوم انجام می‌دهند درک می‌کنند و مشکلات را تحمل می‌نمایند. اینها خیلی با ارزش است. با این مردم و با این کشور و با این دولت و با این مجلس، ان شاءالله باید کارها روزبه روز روانتر و بی‌اشکالتر شود.

بحمدالله، وضع داخلی مجلس و اداره آن، خیلی خوب است. حقیقتاً بنده در موارد متعددی، از سر رضایت، پیش پروردگار عالم شکرگزاری کرده ام که بحمدالله وضع داخل مجلس، مدیریت مجلس و کیفیت کار آن، در عین آن که



تلاش و فعالیت و بحث و تضارب آرا و افکار - همان طور که امام رضوان الله علیه همیشه آرزو داشتند و می گفتند: مثل مباحثه طلبگی - و سختگیری در رسیدن به مطالب حق وجود دارد، ولی بحمدالله، تنافس و مچگیری و سعی در تضییع اشخاص و گروهها در مجلس نیست. این بسیار با ارزش است.

امیدواریم که ان شاءالله همه شما برادران و خواهران موفق باشید. ان شاءالله رئیس محترم مجلس - که بحمدالله مجدداً همین چهره نورانی انتخاب شدند - و بقیه آقایان محترمی که مسؤولیتها را در مجلس به عهده دارید، همگی موفق و مؤید باشید و خداوند توفیقات خودش را بر شما روزبه روز بیشتر کند. ان شاءالله مشمول ادعیه زاکیه بقیةالله الاعظم ارواحنافداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرضی نظر امام بزرگوارمان و روح مطهر ایشان باشید. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.